



زنان؛ غایبان معادن ایران

منبع
روزگار معدن

صنعت معدن، یکی از
پرچالش‌ترین و در عین حال

سودآورترین بخش‌های اقتصادی
ایران است. با این حال، نیمی
از ظرفیت انسانی جامعه، یعنی
زنان، هنوز در این ساختار جایگاهی
شایسته و برابر ندارند. در حالی که
زنان در رشته‌هایی مانند مهندسی
معدن، زمین‌شناسی، متالورژی
و ایمنی صنعتی سال‌هاست در
دانشگاه‌ها آموزش می‌بینند، در
عمل سهم آن‌ها از بازار کار معدنی،
ناچیز و اغلب نمادین باقی مانده
است. این گزارش نگاهی دارد به
تجربه‌ها، موانع، و راهکارهای
پیش‌روی زنانی که خواسته‌اند در
دل سنگ و خاک، سهم خود را پس
بگیرند.

معادن به چند پست اداری محدود
می‌شد. نه فقط نگاه فرهنگی، بلکه
حتی دستورالعمل‌های اجرایی هم
به‌گونه‌ای بود که امکان ورود زنان
به فضای کارگاهی یا حتی دفاتر
عملیاتی را نمی‌داد.

وی افزود: «اما تغییرات اجتماعی،
افزایش آگاهی مدیران، و حضور
زنان تحصیل‌کرده در رشته‌هایی
مثل زمین‌شناسی، مهندسی
معدن، متالورژی و ایمنی باعث
شد شرایط تغییر کند. ما هم در
شرکت‌مان تصمیم گرفتیم از این
ظرفیت استفاده کنیم.»

با نیت تطبیق زنان با مردان، بلکه
با هدف تطبیق ساختارها با انسان.
جنسیت نباید معیار تعیین ظرفیت
باشد. همان‌طور که ماشین‌آلات

به جنسیت وابسته نیستند، تخصص، تمرکز، و دقت نیز چنین‌اند.
باید باور کنیم که زن در معدن، نشانه جسارت نیست؛ نشانه
عدالت است. وقتی یک زن وارد معدن می‌شود، نه تنها خودش
را، بلکه افقی جدید را وارد صنعت می‌کند. او الگویی می‌شود
برای دخترانی که تا دیروز معادن را فقط در کتاب‌ها می‌دیدند و
حالا آن‌را به چشم یک افق شغلی نگاه می‌کنند.

در کنار این ضرورت ساختاری، یک اصل دیگر نیز وجود
دارد: فرهنگ‌سازی مداوم. نقش رسانه‌ها، آموزش و ارتباطات
عمومی، در تغییر ذهنیت مردمی نسبت به مشاغل زنانه و مردانه،
حیاتی است. این کلیشه که معدن «جای زن نیست» باید مانند
سرباره‌ای بی‌ارزش دور ریخته شود، تا جایش را طلا و ارزش
واقعی بگیرد: برابری.

اگر بپذیریم که آینده معدن‌کاری، نیازمند نگاه‌های تازه،
نیروهای آموزش‌دیده و سرمایه انسانی چندبُعدی‌ست، آن‌گاه
حضور زنان، نه فقط مشروع، بلکه ضروری خواهد بود. زنانی
که هم‌زمان می‌توانند در دل زمین بدون و در سطح مدیریت
تصمیم بگیرند، زنانی که ظرفیت‌های شغلی خود را با مهارت و
مسئولیت‌پذیری اثبات کرده‌اند.

و شاید همین حالا که این سطور را می‌خوانید، دختری
نوجوان در شهری دور، با شنیدن صدای زنانی مثل لیلا
رستگار، تصمیم بگیرد مهندس معدن شود. شاید بخواهد
وارد تونلی شود که روزگاری ورودش ممنوع بود. و آن‌گاه،
دیگر معدن فقط جای مردان نخواهد بود. معدن، جای
انسان خواهد بود. ■

نشان می‌دهد که اگر اراده مدیریتی
باشد، خیلی از مشکلات قابل حل
است.»

رستگار درباره نگاه خانواده و
جامعه نسبت به شغلش بیان کرد:
«اوایل، خانواده‌ام نگران بودند. فکر
می‌کردند این شغل برای یک زن
مناسب نیست. اما وقتی دیدند که
هم امنیت کاری دارم، هم درآمد
خوب، و هم به رشد شخصی‌ام
کمک می‌کند، حمایت کردند.
جامعه هم به مرور نگاهش را
اصلاح می‌کند، البته به شرطی که
ما دیده شویم.»

نقش رسانه‌ها در
تغییر نگاه‌ها

وی با تأکید بر نقش رسانه‌ها گفت:
«روزنامه‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های

آموزشی می‌توانند نشان دهند که زنان هم در معدن موفق‌اند.
ما نیاز داریم از کلیشه‌هایی مثل «زن نباید در کار سخت باشد»
عبور کنیم. حتی در پروژه‌هایی که با روستاهای اطراف معدن در
ارتباط بودیم، زنان محلی ابتدا تعجب می‌کردند که ما زنیم و در
معدن کار می‌کنیم، اما بعد الهام گرفتند.»

او در پاسخ به این پرسش که «چه سیاست‌هایی می‌تواند به
افزایش حضور زنان در معدن کمک کند» گفت: «اصلاح
آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی، ارائه مشوق مالی به
شرکت‌هایی که زنان را استخدام می‌کنند، و الزام به ایجاد
امکانات زیربنایی برای زنان در معادن، می‌تواند مؤثر باشد.
همچنین، حضور زنان در سطوح تصمیم‌سازی و مدیریتی
ضروری است.»

رستگار در پایان گفت‌وگو با نگاهی امیدوارانه خاطرنشان کرد:
«من فکر می‌کنم تابوها وقتی می‌شکنند که ما بی‌وقفه تلاش
کنیم. تا چند سال پیش، تصور زن در معدن غیرممکن بود.
امروز، زنان ایرانی در حال پیمودن این مسیرند، و این تازه آغاز
راه است.»

از چند پست اداری تا گام‌های عملیاتی

در ادامه مهندس ناهید کشاورز، مدیر منابع انسانی یکی از
بزرگ‌ترین شرکت‌های معدنی فعال در گفت‌وگو با «روزگار
معدن» داشتیم. او در سال‌های اخیر، نقش مهمی در به‌کارگیری
و تثبیت نیروی کار زن در ساختار معدن ایفا کرده است.

کشاورز در ابتدا با اشاره به روند تاریخی محدودیت‌های
جنسیتی در معادن گفت: «تا همین ده سال پیش، حضور زنان در

علاقه‌ای که از کودکی آغاز شد

لیلا رستگار، فارغ‌التحصیل مهندسی معدن و مشاور ایمنی در
یکی از معادن سنگ‌آهن در شرق کشور در گفت‌وگو با روزگار
معدن اظهار کرد: «از کودکی به زمین‌شناسی علاقه داشتم. وقتی
وارد دانشگاه شدم و رشته مهندسی معدن را انتخاب کردم، کمتر
کسی باور داشت که یک زن بخواهد وارد محیط معدن شود، آن
هم محیطی که هم سخت و هم غالباً مردانه تلقی می‌شد.»
وی افزود: «در همان روزهای اول دانشگاه هم گاهی مورد
تمسخر قرار می‌گرفتم. اما علاقه‌ام باعث شد تا نه‌تنها ادامه
بدهم، بلکه کارآموزی و پایان‌نامه‌ام را هم در محیط معدن
واقعی بگذرانم.»

رستگار با تأکید بر نبود امکانات مناسب برای زنان در
برخی معادن کشور گفت: «یکی از مشکلات جدی، نبود
زیرساخت‌های حداقلی برای حضور زنان است. مثلاً نبود
سرویس بهداشتی جداگانه، خوابگاه، لباس کار مخصوص، یا
حتی مسیرهای رفت‌وآمد امن. این چیزها به ظاهر ساده‌اند اما
در عمل مانع بزرگی می‌شوند.»

وی افزود: «من بارها دیده‌ام که مدیران می‌گویند «ما مخالف
حضور زنان نیستیم، اما امکانات نداریم.» این یعنی عملاً زنان
از صحنه حذف می‌شوند، نه به خاطر ضعف، بلکه به دلیل
نبود برنامه‌ریزی.»

از تردید همکاران تا اثبات توانمندی

او درباره تجربه کاری خود در معدن گفت: «در نخستین پروژه‌ای
که حضور داشتم، برخی همکاران مرد باور نداشتند که یک زن
بتواند مسئول ایمنی باشد. برایشان عجیب بود که یک زن بیاید
در گرمای تابستان، با کلاه و چکمه، در جبهه سنگ و خاک کار
کند. اما با گذر زمان و نشان دادن توانایی‌هایم، نگاه‌ها عوض
شد.»

رستگار با اشاره به تبعیض‌های پنهان و آشکار در محیط کار
معدن بیان کرد: «بعضی وقت‌ها از جلسه‌های مهم فنی کنار
گذاشته می‌شویم. یا فرض بر این است که ما زنان، صرفاً
برای کار دفتری مناسب‌ایم. این تصورات باعث می‌شود مسیر
پیشرفت برایمان سخت‌تر از مردان باشد.»

وی با اشاره به تفاوت وضعیت ایران با سایر کشورها اظهار
داشت: «در کشورهایی مثل آفریقای جنوبی، استرالیا یا حتی
قزاقستان، زنان در معادن به‌عنوان نیروی رسمی، کارگر، مهندس
و مدیر حضور دارند. دولت‌ها و شرکت‌ها هم با اصلاح قانون،
ایجاد امکانات، و فرهنگ‌سازی، این حضور را ممکن کرده‌اند.
اما در ایران، ما هنوز در مرحله اثبات توانمندی هستیم.»

وقتی اراده مدیریتی وجود داشته باشد

او در ادامه گفت: «در برخی از معادن خصوصی که نگاه
حرفه‌ای‌تری وجود دارد، شرایط برای زنان بهتر است. این